



22 نوامبر 2016

داکتر سید عبدالله کاظم

«استیضاح» - یک وسیله مهم قانونی برای نظارت بر اجراءات حکومت توسط ولسی جرگه (قسمت سوم)

نگاهی به رویدادهای مهم استیضاح در دوره ریاست جمهوری حامد کرزی

طوریچه در قسمت اول این مقاله توضیح شد، موضوع "استجواب" و "استیضاح" فقط در دو قانون اساسی کشور صریحاً ذکر گردیده است: یکی در قانون اساسی 1343 و دیگر در قانون اساسی جدید افغانستان که بتاريخ 14 جدی 1382 (4 جنوری 2004) از طرف لویه جرگه منعقدہ شهر کابل به تصویب رسید و بتاريخ 6 دلو همان سال پس از توشیح رئیس جمهور حامد کرزی نافذ گردید. برطبق این قانون اساسی نظام سیاسی کشور بر مبنای سیستم "ریاستی" بنا نهاده شد که در آن رئیس جمهور در رأس قوای ثلاثه قرار دارد و در عین زمان ریاست قوای اجرائیه (حکومت) را نیز عهده دار میباشد. در این قانون اساسی شورای ملی افغانستان از دو مجلس تشکیل شده است: یکی ولسی جرگه و دیگر مشرانو جرگه که هر دو دارای وظایف مشترک و نیز وظایف اختصاصی میباشد. به اساس ماده 69 قانون اساسی: «رئیس جمهور در برابر ملت و ولسی جرگه مطابق به احکام این ماده مسؤول میباشد..»؛ البته اتهام وارده علیه رئیس جمهور و همچنان معاونین و هریک از وزراء مبنی بر ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی یا جنایت طی ماده فوق و مواد بعدی (بخصوص ماده 78 و ماده 89) با رعایت طرز العمل خاص توضیح شده است.

در مورد استجواب و استیضاح باید گفت که استجواب از صلاحیت هر دو مجلس میباشد، چنانچه در ماده 93 تصریح گردیده که: «هریک از کمیسیونهای هر دو مجلس شورای ملی میتواند از هریک از وزراء در موضوعات معین سؤال نماید. شخصیکه از او سؤال بعمل آمده، میتواند جواب شفاهی یا تحریری بدهد»؛ اما استیضاح از هریک وزیر برطبق ماده 91 این قانون اساسی یکی از صلاحیتهای اختصاصی ولسی جرگه است که مطابق به حکم ماده 92 به این ترتیب صورت میگیرد:

«ولسی جرگه به پیشنهاد بیست فیصد کل اعضا میتواند از هر یک از وزراء استیضاح به عمل آورد. هرگاه توضیح ارائه شده قناعت بخش نباشد، ولسی جرگه موضوع رأی عدم اعتماد را بررسی میکند. رأی عدم اعتماد از وزیر باید صریح، مستقیم و بر اساس دلایل موجه باشد. این رأی به اکثریت آرای کل اعضای ولسی جرگه صادر میگردد».

به تاسی از همین صلاحیت قانونی ولسی جرگه در دوره ریاست جمهوری حامد کرزی چندین بار از یک یا چند وزیر کابینه استیضاح بعمل آورده که بعضاً با جار و جنجالهای جدی بین قوه مقننه و اجرائیه

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

توأم بوده است. در این مختصر نگاهی به ماهیت و چگونگی رویداد های مربوط به استیضاح در این دوره انداخته میشود که از انفاذ قانون اساسی تا ختم دوره کاری رئیس جمهور کرزی را احتوا میکند:

معضله استیضاح از وزیر خارجه - داکتر اسپینتا:

اخراج اجباری یک تعداد زیاد مهاجرین افغان از ایران بطور غیرمترقب و توأم با شدت عمل حرکتی بود که حکومت افغانستان را در برابر یک مشکل حاد و جدی قرار داد. حکومت بطور عموم و وزارت عودت مهاجرین بخصوص نتوانست به این موضوع رسیدگی لازم نماید و سروصداهای زیاد از هر طرف بلند شد. در این ارتباط با تشکیل یک جبهه جدید مخالف حکومت (اپوزسیون) بنام "جبهه ملی" بتاريخ 14 حمل 1386 (3 اپریل 2007) اختلاف سیاسی بین قوه مقننه و اجرائیه از عمق به سطح درآمد و تذکر رئیس جمهور کرزی مبنی بر اینکه در پشت این اقدام احتمالاً دست بعضی سفارتخانه ها قرار خواهد داشت، اشاره غیر مستقیم به سوی ایران بود که موضوع مهاجرین را بیشتر حساس ساخت. با انعکاسی وسیعی که اخراج اجباری یک تعداد مهاجران افغان از ایران در رسانه ها و بین مردم ایجاد شد، ولسی جرگه تصمیم گرفت تا دو وزیر کابینه هر یک محمد اکبر اکبر وزیر عودت مهاجرین و داکتر رنگین دادفر اسپینتا وزیر خارجه را بتاريخ 19 ثور 1386 به مجلس احضار کند و از ایشان در مورد مشکل مهاجرین سؤال نماید که روز بعد این اقدام منجر به استیضاح شد و موضوع سلب اعتماد از وزرای مذکور مطرح گردید.

از آنجائیکه در روز استیضاح برای سلب اعتماد یک وزیر حداقل 125 رأی مخالف لازم بود، سلب اعتماد از وزیر عودت مهاجرین با دریافت 136 رأی مخالف در همان روز قطعی گردید، ولی موضوع سلب اعتماد داکتر اسپینتا با داشتن 124 رأی مخالف، 67 رأی موافق و یک رأی "مشکوک" جنجال برانگیز شد، زیرا عده ای از وکلاء رأی مشکوک را "باطل" حساب میکردند و برخی دیگر به استناد از رویه قبلی خویش آنرا رأی مخالف می شمردند. بناً موضوع برای غور مزید به اجلاس دو روز بعد موکول شد. بروز 22 ثور در اثر رأی گیری باردوم تعداد آرای مخالف به داکتر اسپینتا به 141 رسید که در نتیجه موصوف نیز مواجه به سلب اعتماد گردید.

رئیس جمهور کرزی موضوع سلب اعتماد وزیر عودت مهاجرین را تأیید کرد و در مورد داکتر اسپینتا با ارائه دو سؤال آنرا جهت غور به ستره محکمه ارجاع نمود: یکی اینکه آیا ساحه کار وزیر خارجه شامل استیضاح میگردد و دیگر اینکه رأی گیری بار دوم قانونی بوده است، یا نه؟

در عین زمان رئیس جمهور کرزی اعلام کرد که تا روشن شدن قضیه، باید داکتر اسپینتا به وظیفه خود ادامه دهد. اصرار ولسی جرگه بر فیصله شان مبنی بر سلب اعتماد از وزیر خارجه و انتقاد بر ارجاع موضوع به ستره محکمه، کشیدگی بین دو قوه دولت را شدت بخشید.

بتاریخ 14 جوزا ستره محکمه افغانستان فیصله خود را مبنی بر ابقاء و ادامه کار داکتر اسپینتا به حیث وزیر خارجه صادر کرد و اما تعدادی از نمایندگان ولسی جرگه بر ارجاع قضیه به ستره محکمه اعتراض داشتند و آنرا فراتر از صلاحیت های قانونی رئیس جمهور دانسته و بر سلب اعتماد از وزیر خارجه اصرار میکردند.

مباحثات بین دو گروه موافق و مخالف در ولسی جرگه در حالی دوام داشت که ولسی جرگه قانوناً در مرحله آغاز تعطیلات تابستانی قرار داشت. لذا مباحثه ناگزیر به اجلاس بعد از تعطیلات موکول شد.

ولسی جرگه افغانستان در اولین اجلاس خود بعد از سپری شدن ایام تعطیلات تابستانی بروز شنبه مورخ 6 اسد 1386 (28 جولای 2007) بار دیگر موضوع جنجال برانگیز سلب اعتماد داکتر اسپینتا وزیر امور خارجه کشور را مطرح ساخت و بر ادعای قبلی خویش در مورد برکناری موصوف تأکید کرد. رئیس ولسی جرگه گفت که رئیس جمهور در زمینه موافقه کرده و موضوع بزودی اعلام خواهد شد، ولی سخنگوی رئیس جمهور اظهارات رئیس ولسی جرگه را رد کرد و افزود که رئیس جمهور در این مورد اظهار نظر نکرده و بررسی این مسئله نیز در آینده نزدیک در دستور کار شان قرار ندارد. با این نوع اظهارات ضد و نقیض، جدال و برخوردهای سیاسی ناشی از اختلاف بین ولسی جرگه و ریاست جمهوری یا به عبارت دیگر بین قوه مقننه و اجرائیه در ارتباط با مسئله سلب اعتماد از وزیر خارجه بار دیگر در حال اشتعال درآمد.

اگرچه در آنوقت موقف رئیس جمهورکری در برابر اصرار ولسی جرگه جهت برکناری داکتر اسپینتا صراحت نداشت، ولی برخورد با موضوع از دو حال بیرون نبود: یکی اینکه رئیس جمهور به تاسی از نظر ستره محکمه در مورد ادامه کار وزیر خارجه ایستادگی میکند و دیگر اینکه وی به نحوی تسلیم نظر ولسی جرگه میشود و داکتر اسپینتا را از وظیفه رسماً سبکدوش می سازد، ولو که موصوف مثل سایر سلب اعتماد شدگان به حیث سرپرست ایفای وظیفه کند. در هر دو حالت وضع مغلق تر میشود، زیرا در حالت اول رئیس جمهور در برابر ولسی جرگه قرار میگیرد و موجب بروز کشیدگی ها می مزید بین دوقوه دولت میگردید و اینکار به پیشبرد امور صدمه میرسانید و در حالت دوم یعنی تسلیم شدن کرسی به فشار ولسی جرگه، موقف حساس ستره محکمه را زیر سؤال می برد و اینکار به حیثیت ستره محکمه شدیداً لطمه وارد میگرد، عین حالتیکه در این روزها بین ولسی جرگه و رئیس جمهور اشرف غنی ایجاد گردیده که گویا تاریخ بار دیگر به عین شکل تکرار شده است.

در باره علل و انگیزه های عیان و نهان استیضاح از وزیر خارجه داکتر اسپینتا در آنوقت مطالب زیاد اعم از انگیزه های داخلی و خارجی به نشر رسیده بود که هر یک برای خود قابل توجیه و دقت بودند. بسیاری نظر داشتند که این موضوع بیشتر از آنکه یک قضیه حقوقی و قانونی باشد، یک وجه سیاسی دارد که بازیگران صحنه سیاست در کشور به منظور نشان دادن قدرت و به اصطلاح "ضرب شصت" خویش بطرف مقابل و کسب امتیاز از همچو حالات نفع سیاسی می بردند. در جوار این نظر باید اذعان داشت که مشکل اساسی مقدمتر از هر عامل دیگر در کوتاهی متن قانون اساسی قرار داشت، چنانکه همین معضله بر جریان استیضاح در این چند روز نیز اثر گذاشته است، به این معنی که موضوع استیضاح در متن قانون اساسی بصورت بسیار سطحی و بدون توجه به عواقب آن ذکر گردیده و زمینه آنرا فراهم ساخته است تا با استفاده از نارسائی متن قانون، بازیگران سیاسی طالب قدرت عن الاقتضاً از آن بهره برداری نمایند.

در این ارتباط 9 سال قبل طی مقاله نوشتم تحت عنوان "مسئله استیضاح و نارسائی قانون اساسی" که بتاریخ 14 اگست 2007 در این پورتال وزین اقبال نشر یافت، به این موضوع در انوقت اشاره کردم که: فقدان یک مرجع باصلاحیت در تفسیر قانون اساسی نه تنها موجب بروز مشکل جاری گردیده است، بلکه امکان بروز مشکلات بیشتر از همچو نارسائی ها را در آینده نیز بار خواهد آورد. موضوع استیضاح اگر دقیقاً تعریف و تفسیر نشود و حدود و امکانات آن تثبیت و مشخص نگردد، دیر یا زود نظیر همچو حالت به وقوع خواهد پیوست و قوای ثلاثه دولت را دچار برخورد و اضطراب خواهد ساخت. اگر استیضاح به همین سهولت امکان پذیر گردد و فقط با بلند کردن کارتهای سرخ و سبز سر نوشت وزرای حکومت تعیین شود، آنوقت حکومت از دو ناحیه دچار بحران داخلی خواهد شد: یکی

د پانو شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له رالپولو مخکي په خیر و لولی

اینکه وزراء هر یک از ترس استیضاح حاضر به سازش با وکلای ولسی جرگه بطور خصوصی خواهند شد و به معامله گری خواهند پرداخت و دیگر اینکه وکلاء با داشتن همچو صلاحیت مبنی بر عزل و نصب وزراء، دست به استفاده های غیرمجاز خواهند زد که در نتیجه پایه های سست اداره دولت بیشتر لرزان خواهد شد و در قبال آن دامنه ارتشأ، سوء استفاده و انواع فساد اداری بیش از پیش وسعت پیدا خواهد کرد. اکنون همه شاهد هستیم که عین مشکل بار دیگر پدید آمده و آنچه 9 سال قبل پیشبینی شده بود، مجدداً در حال تکرار است که جریان آن بعداً به تفصیل بیان میشود.

استیضاح دو وزیر:

ولسی جرگه بتاريخ 14 اسد سال 1391 (5 آگست 2012) جنرال عبدالرحیم وردک وزیر دفاع ملی و جنرال بسم الله محمدی وزیر داخله را در ارتباط با حملات راکتی و تجاوز آشکار قوای پاکستانی به خاک افغانستان مورد استیضاح قرار داد و به دلیل آنکه جواب های شان قناعت اعضای ولسی جرگه را فراهم کرده نتوانست، در نتیجه رأی گیری و ریختن رأی در صندوق، هر دو وزیر نصاب آرای لازم را پوره نکردند: عبدالرحیم وردک 72 رأی موافق و 146 رأی مخالف و بسم الله محمدی با 90 رأی موافق و 126 رأی مخالف سلب صلاحیت و از وظیفه عزل شدند. اما رئیس جمهور کرزی نخست بسم الله محمدی را به حیث سرپرست آن وزارت تعیین کرد و بعداً او را به حیث کاندید وزارت دفاع به ولسی جرگه معرفی نمود. در این میان جنرال عبدالرحیم وردک از قبول سرپرستی وزارت دفاع ابا ورزید و عجیب آن بود که مردم و بعضی از رسانه ها با نادیده گرفتن کارکردهای نامطلوب و با وجود شایعات فساد گسترده موصوف، از اینکار او ستایش کردند.

آنچه در مورد قابل توجه است، همانا دادن رأی اعتماد به جنرال بسم الله محمدی به حیث وزیر دفاع ملی توسط همان ولسی جرگه بود که چندی قبل در مقام وزارت داخله با انتقاد فراوان از او سلب صلاحیت کرده بود. همچنان قابل تعجب بود که ولسی جرگه دو وزیر فوق الذکر را به دلیل نارسائی در وظیفه معزول کرد، اما رئیس جمهور از خدمات شان تمجید و آنها را با اعطای مدال غازی امان الله خان مفتخر ساخت که اینکار موجودیت «یک بام و دو هوا» را در دستگاه دولت افغانستان بیان میکند.

استیضاح پرجنجال یازده وزیر:

در ماه دسمبر 2012 ولسی جرگه در یک اقدام کم سابقه تصمیم گرفت یازده عضو کابینه (هریک وزرای معارف، مبارزه با مواد مخدر، تجارت و صنایع، انرژی و آب، اقتصاد، تحصیلات عالی، دفاع، داخله، شهرسازی، معادن، اطلاعات و فرهنگ) را به دلیل ناتوانی در مصرف کمتر از 50 فیصد بودجه انکشافی سال 1390 مورد استیضاح قرار دهد که اینکار در داخل ولسی جرگه با اختلاف نظرها مواجه شد. تا آنکه ولسی جرگه بعد از ختم تعطیلات زمستانی بتاريخ 4 تا 8 اپریل موضوع را مجدد مطرح بحث قرار داد. نخست به دلیل اینکه وزرای داخله، دفاع، تحصیلات عالی و شهر سازی بعد از 1390 مقرر شده بودند، از استیضاح معاف شدند و از جمله وزرای باقیمانده نخست از وحیدالله شهرانی وزیر معادن و سید مخدوم رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ استیضاح بعمل آمد که هر دو نتوانستند آرای لازم را بدست آورند. مجلس بوسیله طرفداران آنها به تشنج کشانیده شد و روز دیگر هر دو نتوانستند با کسب آرای لازم در مقام خود مجدداً ابقاء شوند. (یاللعجب)

این وضع بار دیگر ولسی جرگه را دچار برهم خوردگی کرد و عده ای از وکلاء یکدیگر را متهم به اخذ رشوت از دو وزیر مذکور ساختند. رسانه ها نیز مطالب بسیار انتقادی در زمینه ابراز داشتند و ولسی جرگه را بیک مرکز فساد و معامله گری متهم کردند. روزنامه هشت صبح نوشت: «وقتی نظر نماینده پارلمان یک شبه در مورد وزیر تغییر میکند، هیچ جای سؤال باقی نمی ماند و هرکسی میتواند به این نتیجه برسد که معامله ای در کار بوده است... عملکرد دیروز پارلمان ثابت کرد که برای اکثر نمایندگان، نه منافع عمومی مهم است و نه قانون، آنچه برای آنان اصالت دارد، منافع شخصی است». نماینده دایکندی در ولسی جرگه (نورمحمد اکبری) به وجه دیگری به موضوع اشاره کرد و گفت: «برخی از وزراء از تاجران کشور پول گرفته و آنرا در میان وکلاء تقسیم می نمایند که این امر خود بیانگر این است که آنها در کابینه کرزی کار نکرده، بلکه نماینده های مافیای اقتصاد کشور هستند».

بهرحال از جمله وزرای باقیمانده تنها انورالحق احدی وزیر تجارت و صنایع، فاروق وردک وزیر معارف و ضرار احمد مقبل وزیر مبارزه با مواد مخدر رأی اعتماد گرفتند و اما عبدالهادی ارغندیوال وزیر اقتصاد و اسماعیل خان وزیر انرژی و آب نتوانستند رأی اعتماد بدست آورند. عده ای از وکلای ولسی جرگه با خشمی که ناشی از معامله گری در مورد ابقای دو وزیر قبلی (شهرانی و رهین) شامل حال شان شده بود، دو وزیر اخیرالذکر را که موفق به اخذ آرای لازم نشده بودند، نیز پس از جار و جنجال زیاد «احتجاجاً» به مقام شان ابقاء کردند. این بود کارکرد یک مرجع قانونگذار در کشور، "چو کفر از کعبه برخیزد، کجا ماند مسلمانی!!"

استیضاح وزیر مالیه :

در اواسط ماه اپریل 2013 مجتبی پنتنگ وزیر داخله به شورای امنیت ملی از مداخلات غیرقانونی یک عده نمایندگان پارلمان شکایت کرد و گفت که وی در جریان چهار ماه اخیر 31 بار به ولسی جرگه و 14 بار به مشرانو جرگه احضار شده و در این مدت 15200 درخواست غیرقانونی از نمایندگان دریافت کرده است. انعکاس فوری این موضوع در رسانه ها موجب سرو صدا های زیاد در شورای ملی گردید و نمایندگان تقاضا کردند تا وزیر داخله به شورا حاضر و نام وکلای مذکور را افشاء کند. وزیر داخله به این درخواست شورا تمکین نکرد و اما متعاقباً حضرت عمر زاخیلوال وزیر مالیه که از مدتی مزنون به فساد مالی بود و تحت فشار شورا قرار داشت، از طریق دفتر خود به رسانه ها اعلام نمود که یک تعداد وکلاء برای اجرای امور غیرقانونی به وزارت مالیه مراجعه میدارند و از رقم بیش از 500 درخواستی آنها یادآور شد. اعلام این موضوع موجب تشدید جنجالهای موجود در شورا گردید و نمایندگان ولسی جرگه را یکی در برابر دیگر مزنون و ناراحت ساخت. ولسی جرگه از وزیر مالیه خواست تا جهت افشای نام وکلای مزاحم به شورا آمده و در مجلس استیضاحیه حاضر شود.

به روز 15 ماه می 2013 وزیر مالیه در حالی به ولسی جرگه آمد که وکلا در حالت هیجان جدی قرار داشتند. وزیر مالیه قبلاً گفته بود به تعداد بیش از 30 نفر وکیل را معرفی خواهد کرد، ولی زاخیلوال از شش وکیل با ذکر قضایای شان نام برد: هریک ظاهر قدیر وکیل ننگرهار، نعیم لالی حمیدزی وکیل قندهار، سمیع الله صمیم وکیل فراه، محمدعارف رحمانی وکیل غزنی، عظیم محسنی وکیل بغلان و محمود سلیمانخیل وکیل پکتیکا که همه آنها از جمله کسانی بودند که درپای ورق استیضاح امضا کرده بودند. با اینکار وضع مجلس چنان به احساسات و تشنج گرائید که وزیر مالیه

د پانوی شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

به مجرد ختم بیانیه مجلس را ترک کرد. رئیس ولسی جرگه نظر وکلاء را در باره اظهارات زاخیلوال جويا شد که در نتیجه از جمله 188 وکیل حاضر فقط 5 نفر رأی عدم قناعت و متباقی با بلند کردن کارت های سبز از وزیر مالیه حمایت کردند و او توانست در مقام خود باقی بماند.

در این ارتباط بسیاری به این نظر بودند که رئیس ولسی جرگه در مورد نظر خواهی از وکلاء بسیار عجله کرد، درحالیکه باید به شش وکیل متهم به فساد باید حق دفاع داده میشد و پس از آن موضوع به رأی گذاشته می شد. روز بعد مجلس فیصله کرد تا دفاعیه وکلای متهم را نیز بشنود و پنج وکیل حاضر در مجلس طالب ثبوت ادعا های وزیر مالیه مبنی بر اتهامات وارده علیه خود شدند و در عین زمان انگشت اعتراض بر فساد مالی وزیر مالیه گذاشتند و خواهان بررسی قضیه از طرف یک کمسیون بیطرف و باصلاحیت گردیدند.

کسانیکه جریان هر دو روز مجلس ولسی جرگه را مشاهده کرده اند، به یقین از این «افتضاح» که دامنگیر دولت، بخصوص جدال روبه تزايد بین قوای اجرائیه و مقننه گردیده بود، متأثر و ناامید به آینده شدند. نتیجه آن شد که گویا هیچ حادثه ای رخ نداده است، وزیر مالیه بکار خود ادامه داد و وکلای متهم نیز بعد از یکی دو روز مصروف کار و بار خود شدند، درحالیکه باید این اتهامات علیه هر دو طرف به یک مرجع قانونی رویت داده می شد تا صحت و سقم آن ادعا ها که به سویه ولسی جرگه کشور بین چند وکیل و یک وزیر مطرح شده بود، ثابت میگردید، اما در دولت پرفساد نه تنها دوطرف، بلکه جانب سوم که در مجموع اولیای امور بودند، از ترس اینکه راز های درونی شان افشاء نشوند، با معامله گریها روی این موضوع پرده انداختند و خاموشانه از آن گذشتند. این بود رویدادهای مهم و قابل بحث که در دوران ریاست جمهوری حامد کرزی در رابطه با موضوع استیضاح یا به عبارت دیگر "افتضاح" به وقوع پیوست که متأسفانه دنباله آن رویدادها را حتی به عین شکل امروز هم شاهد هستیم.

(ادامه در قسمت چهارم: شرح رویداد جاری استیضاح از 16 وزیر)